



نگاهی حقوقی به پروتکل الحاقی به پادمان آژانس بین المللی انرژی اتمی

پروفسور کادوم آسانی و مطالعان فزینگی
پرتال جان دوم سانی *
صالح رضائی *

اشاره :
آژانس بین المللی انرژی اتمی^۱ در سپتامبر ۱۹۹۷ متن پروتکلی را تحت عنوان پروتکل الحاقی^۲ تصویب نمود و از دولتهایی که به موجب معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای موافقتنامه پادمان^۳ را با آژانس منعقد نموده اند خواست که متن آن را امضا و پس از طی تشریفات قانونی داخلی تصویب و اجرا نمایند. آژانس لزوم تدوین و به اجرا در آوردن چنین پروتکلی را در اوایل دهه ۱۹۹۰ و پس از کشف فعالیت هسته ای مخفیانه عراق در دستور کار خود قرارداد. هدف اعلامی این پروتکل، تقویت و تحکیم نظارت های آژانس بر فعالیت های هسته ای دولتها و کشف فعالیت های هسته ای مخفیانه و غیر قانونی است.^۴ این نوشتار، سابقه تدوین این پروتکل، تمهیدات مندرج در آن برای دولتها و آژانس بین المللی انرژی اتمی را از منظر حقوق بین الملل، مورد بررسی قرار خواهد داد.

مقدمه: روند تدوین و انعقاد پروتکل

تصمیم آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر تدوین و انعقاد پروتکل الحاقی عمدتاً به وقایعی برمی‌گردد که در پی حملات نیروهای متحدین به عراق جهت آزادسازی کویت در اوایل دهه ۱۹۹۰ اتفاق افتاد. حملات نظامی متحدین به عراق، در میان دیگر مسایل، راز فعالیت‌های هسته‌ای مخفیانه و غیر صلح‌جویانه عراق را نیز بر ملا ساخت. کشف فعالیت‌های هسته‌ای مخفیانه عراق، که یکی از اعضای معاهده عدم‌گسترش سلاح‌های هسته‌ای و قبول‌کنندگان پادمان‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز محسوب می‌شد، این مسأله را مطرح ساخت که تدابیری مندرج در موافقت‌نامه‌های موجود دولت‌ها با آژانس جهت جلوگیری از ساخت و تولید سلاح‌های هسته‌ای، دیگر از کارایی مؤثر و لازم برخوردار نیست و باید تدابیر جدیدی اندیشیده شود تا از تکرار حوادث مشابه در آینده جلوگیری به عمل آید.^۵ کشف فعالیت‌های هسته‌ای مخفیانه عراق نشان داد که دیگر عضویت در معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (۱۹۶۸) و قبول نظارت‌ها و بازرسی‌های آژانس براساس تدابیر و مقررات موجود نمی‌تواند تضمین مناسب و مؤثری برای بازداشتن کشورها از اقدام به ساخت و تولید سلاح هسته‌ای تلقی شود. زیرا عراق با اینکه معاهده یاد شده را پذیرفته، مطابق ماده ۳ آن^۶، موافقتنامه پادمان جامع با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی منعقد کرده و فعالیت‌ها و تأسیسات هسته‌ای خود را تحت نظارت و بازرسی آن قرار داده بود، نتوانسته بود تا حدودی برنامه‌های هسته‌ای غیر صلح‌جویانه خود را جهت ساخت و تولید سلاح‌های هسته‌ای پیش ببرد. در پی این تحولات و طرح چنین مسائل و موضوعاتی بود که آژانس بین‌المللی انرژی در سال ۱۹۹۱ مسأله لزوم تقویت نظارت‌ها و بازرسی‌ها از فعالیت‌های هسته‌ای کشورها را در دستور کار خود قرار داد.^۷ در فوریه ۱۹۹۱، دبیر کل آژانس لزوم تقویت و تحکیم پادمان‌های آژانس بر فعالیت‌های هسته‌ای دولت‌ها را طی گزارشی به شورای حکام^۸ آژانس یادآور شد. شورا موضوع را در دستور کار خود قرار داده و از دبیر کل خواست که جزئیات و تفصیل موضوع را در گزارش‌های آتی خود ارائه نماید. در سپتامبر همان سال، کنفرانس عمومی^۹ آژانس هم قطعنامه‌ای را تصویب کرد^{۱۰} و از شورای حکام و مدیر کل خواست به اقدامات و تلاش‌های خود در زمینه تقویت و تحکیم پادمان‌های هسته‌ای ادامه دهند. دبیر کل در نوامبر ۱۹۹۱ از شورای حکام خواست که تصمیماتی را در خصوص الزام دولت‌ها به ارائه اطلاعات راجع به طراحی تأسیسات هسته‌ای خود اتخاذ نماید که این درخواست مورد پذیرش واقع شد و شورا در فوریه ۱۹۹۲ با صدور قطعنامه‌ای از دولت‌هایی که موافقت‌نامه پادمان با آژانس دارند خواست که اطلاعات مربوط به طرح‌های تأسیسات هسته‌ای خود را به آژانس ارائه نمایند.

در راستای تقویت و تحکیم پادمان‌های هسته‌ای، مدیر کل آژانس در دسامبر ۱۹۹۳ برنامه‌ای^{۱۱} را تحت عنوان برنامه ۹۳+۲ به شورای حکام تسلیم نمود. شورا برنامه را مورد بررسی قرار داد و از مدیر کل خواست که اصلاحات و اضافات لازم را در آن به عمل آورد. مدیر کل اصلاحات و اضافات پیشنهادی در برنامه مذکور را انجام و در سال ۱۹۹۵ جهت اظهار نظر نهایی به شورای حکام ارائه داد. شورا در ژوئن ۱۹۹۵ متن نهایی برنامه ۹۳+۲ را تصویب کرد. برنامه ۹۳+۲ متضمن دو بخش بود. بخش اول شامل یک سلسله تدابیر و مقرراتی بود که به نظر کارشناسان حقوقی آژانس به اجرا در آوردن آنها، براساس موافقت‌نامه‌های موجود فی‌مابین آژانس و کشورها قابل توجیه بوده و به اعلام رضایت جدید آنها نیاز ندارد.^{۱۲} به بیان دیگر، بخش اول برنامه ۹۳+۲ مقررات و تعهدات جدیدی در زمینه تقویت و تحکیم پادمان‌ها محسوب نمی‌شده است تا موافقت و رضایت مجدد کشورها را لازم داشته باشد. مقررات و تدابیر پیش‌بینی شده در این بخش از قبل در موافقت‌نامه‌های پادمان موجود فی‌مابین دولت‌های مربوطه و آژانس وجود داشته‌اند، لیکن آژانس در عمل

آنها را اجرا نکرده بود.

اما بخش دوم برنامه ۹۳+۲ متضمن تدابیر و مقرراتی بود که به اجراء آوردن آن‌ها موافقت و رضایت مجدد دولت‌های مربوطه را می‌طلبد.^{۱۳} نظر به این امر، شورای حکام به هنگام تصویب برنامه ۹۳+۲، تصمیم گرفت که بخش دوم برنامه، مجدداً بررسی و متن و مقررات آن در قالب سند حقوقی (پروتکل) ارائه گردد. کمیته‌ای برای این منظور تشکیل شد و پس از برگزاری چهار نشست، سرانجام متن پروتکل مورد نظر را تهیه و جهت تأیید به شورای حکام ارائه داد. شورای حکام در ۱۵ می ۱۹۹۷ متن پروتکل ارائه شده را پس از بررسی‌های لازم به صورت نهایی مورد تصویب قرار داد. این پروتکل، که عنوان کامل آن پروتکل نمونه منضم به موافقت‌نامه‌های (فی‌مابین دولت‌ها) و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای اعمال پادمان^{۱۴} می‌باشد. در سپتامبر سال ۱۹۹۷ در قالب INF/CIRC/۵۴۰^{۱۵} به تأیید کنفرانس عمومی آژانس نیز رسید. پروتکل الحاقی آژانس دارای یک مقدمه، هیجده ماده و دو ضمیمه می‌باشد. این پروتکل، به طوری که گفته شد، نمونه یا الگوی یک موافقت‌نامه دو جانبه فی‌مابین آژانس و دولت‌های پذیرنده است و سند چند جانبه تلقی نمی‌شود.

بنداول: چندپرسش حقوقی در مورد پروتکل

اولین سؤال درخصوص پروتکل ۱۹۹۷ چگونگی التزام دولت‌ها به مفاد و مقررات آن می‌باشد. مقررات پروتکل در این خصوص دو روش را پیش‌بینی کرده است.^{۱۵} روش اول اطلاع کتبی دولت مربوطه به آژانس،

هدف پروتکل الحاقی، تقویت و تحکیم

رژیم عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای است

و لذا مقررات آن علی‌الاصول معطوف به

کشورهایی که دارنده سلاح‌های هسته‌ای

(پنج قدرت هسته‌ای جهان) هستند نمی‌باشد.

مبنی بر اینکه پروتکل را به موجب قواعد مقررات نظام حقوقی ملی خود پذیرفته است که در این روش پروتکل از زمان دریافت اطلاع کتبی مذکور توسط آژانس برای آن دولت الزام آور خواهد بود. این روش در واقع همان روش تصویب اسناد بین‌المللی در مراجع صالحه داخلی (پارلمان) می‌باشد که حکایت از اهمیت اساسی و ملی سند مربوطه می‌نماید. روش دوم روش امضای محض از سوی دولت هاست، باین توضیح که پروتکل می‌تواند به محض امضای نمایندگان دولت مربوطه و آژانس، قدرت الزام آور و اجرایی پیدا نماید که البته توسط به این روش به موافقت قبلی طرفین بستگی دارد. در کنار این دو روش، اجرای موقت پروتکل نیز پیش‌بینی شده است. مطابق پروتکل، هر یک از دولت‌ها می‌توانند در هر زمان قبل از ملتزم شدن به پروتکل، اعلام نمایند که مقررات آن را به طور موقت به اجرا می‌گذارند.^{۱۶} دبیر کل آژانس ملزم می‌باشد که مراتب التزام دولت‌ها به پروتکل را به اطلاع سایر اعضای آژانس برساند.

دومین سؤالی که ممکن است درخصوص پروتکل الحاقی آژانس مطرح شود این است که پروتکل مذکور مکمل و یا متمم کدامین سند بین‌المللی قبلی می‌باشد و برای مستلزم کردن چه کشورهایی تهیه و تدوین شده است؟ مطابق دیباچه پروتکل، این سنداصولاً برای ملتزم نمودن دولت‌هایی تهیه و تدوین شده است که دارای موافقتنامه جامع پادمان^{۱۷} با آژانس به موجب ماده ۳ معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای می‌باشند. به بیان دیگر، پروتکل برای ملتزم ساختن دولت‌های غیردارنده سلاح‌های هسته‌ای عضو معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای^{۱۸}، که موافقت

نامه‌ای را به موجب ماده ۳ آن معاهده و سند الگوی ۱۹۱۵۳ آژانس منعقد نموده‌اند، در نظر گرفته شده است. هدف پروتکل، تقویت و تحکیم رژیم عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای است و لذا مقررات آن علی‌الاصول معطوف به کشورهای دارنده سلاح‌های هسته‌ای (پنج قدرت هسته‌ای جهان) نمی‌باشد، هر چند که آنها می‌توانند به طور طوردواطلبانه و اختیاری مقررات آن را طی موافقت نامه دو جانبه با آژانس بپذیرند.

سومین سؤال درخصوص پروتکل ۱۹۹۷ این است که در صورت تعارض بین مقررات موافقت‌نامه‌هایی که براساس پروتکل منعقد شده‌اند با مقررات موافقت‌نامه‌هایی که به موجب ماده ۳ معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای و سند ۱۵۳ آژانس انعقاد یافته‌اند، تکلیف مسئله به چه نحوی خواهد بود؟ خود پروتکل پاسخ این مسئله را مقرر نموده است. مطابق پروتکل، مقررات موافقت‌نامه‌هایی که به موجب ماده ۳ معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای و سند ۱۵۳ آژانس منعقد شده‌اند، تا آنجایی قابلیت اعمال و اجرا خواهند داشت که با مقررات موافقت‌نامه‌هایی که به موجب پروتکل انعقاد یافته‌اند، مغایر نباشند و در صورت تعارض بین مقررات این دو دسته از موافقت‌نامه‌ها، مقررات موافقت‌نامه‌هایی که مطابق پروتکل منعقد شده‌اند مقدم خواهد بود.^{۲۰}

آخرین سؤال درخصوص پروتکل این است که آیا دولتهای غیر دارنده سلاح هسته‌ای عضو معاهده عدم اشاعه سلاح هسته‌ای و طرف موافقت‌نامه پادمان با آژانس براساس ماده ۳ معاهده مزبور و سند ۱۵۳، تعهد حقوقی قبلی^{۲۱} مبنی بر پذیرش مقررات پروتکل ۱۹۹۷ از طریق انعقاد

دیدگاه دولت‌ها و صاحب‌نظران مذکور در خصوص وجود تعهد کلی قبلی مبنی بر پذیرش مقررات پروتکل افراطی است و به نظر نمی‌آید که با اصول و مقررات حقوق بین‌الملل و حتی مقررات خود معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای سازگار باشد. هر چند که در نظام حقوقی بین‌المللی قاعده حقوقی تحت عنوان *Pactum de contrahend* پذیرفته شده و دیوان بین‌المللی دادگستری آن قاعده را در رأی مشورتی ۱۹۹۶ خود راجع به مشروعیت کاربرد سلاح‌های هسته‌ای مورد تأیید قرار داده است،^{۲۲} با این حال به نظر می‌رسد که قاعده مذکور در مورد پروتکل الحاقی قابل اعمال نباشد. هر چند که دولتهای غیر دارنده سلاح هسته‌ای عضو معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای پایبندی خود را به رژیم عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای اعلام نموده‌اند و در راستای آن، نظارتها و بازرسی‌های آژانس از فعالیت‌ها و تأسیسات هسته‌ای خود را پذیرفته‌اند، ولی این تعهد کلی را نپذیرفته‌اند که مقررات هر نوع سند بعدی مرتبط با موضوع معاهده را خود قبول نموده و به اجرا درمی‌آورند. معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای این چنین تعهدی را صرفاً در مورد خلع سلاح هسته‌ای^{۲۴} مورد تصریح قرار داده و اگر قرار بود دولتهای غیر دارنده سلاح هسته‌ای متعهد به قبول اسناد بین‌المللی مرتبط بعدی در آینده شوند، این معاهده همانند تعهد به خلع سلاح، آن را مورد تصریح قرار می‌دادند. نظر به عدم تصریح، می‌توان گفت که دولتهای غیر دارنده سلاح‌های هسته‌ای عضو معاهده در قبول یا رد پروتکل الحاقی از آزادی عمل تام و کامل برخوردار بوده و متعهد تلقی کردن آنها به قبول پروتکل، مطابق با قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل نمی‌باشد.^{۲۵}

بند دوم: تعهدات جدید دولتها در قبال

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

پروتکل ۱۹۹۷ تعهداتی را برای دولتهای عضو پیش بینی کرده است که در مقایسه با تعهدات قبلی این دولتها به موجب ماده ۳ معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای و سند ۱۵۳ آژانس بسیار سنگین و دامنه اثرگذاری آن بر حاکمیت ملی بسیار شدیدتر می‌باشد. تعهداتی که این پروتکل برای دولتهای عضو مقرر نموده است اصولاً در راستای کشف فعالیت‌های هسته‌ای مخفیانه و اعلام نشده دولتها می‌باشد. ارائه اطلاعات بیشتر به فعالیت‌ها و تأسیسات هسته‌ای، فراهم آوردن زمینه برای دسترسی بیشتر بازرسان آژانس به مراکز و محل‌های هسته‌ای و غیره هسته‌ای و تسهیل ورود و حضور سریع بازرسان آژانس به مراکز هسته‌ای و حتی غیر هسته‌ای از جمله تعهداتی است که دول پذیرنده پروتکل ملزم به رعایت آنها می‌باشند. در ادامه بحث به توضیح این تعهدات می‌پردازیم.

الف - ارائه اطلاعات تکمیلی

دولتهای پذیرنده پروتکل برای اینکه شرایط و امکانات را برای کشف فعالیت‌های هسته‌ای مخفیانه و اعلام نشده فراهم آورند، ملزم شده‌اند که در مقایسه با موافقت‌نامه‌های قبلی خود به موجب سند ۱۵۳، اطلاعات بیشتر و جامع‌تری را از فعالیت‌های هسته‌ای در اختیار آژانس قرار دهند.^{۲۶} دولتهای پذیرنده پروتکل باید طی اظهارنامه‌ای موارد ذیل را به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اطلاع دهند:

- ۱) اعلام مکان فعالیت‌های تحقیق و توسعه مربوطه به چرخه سوخت هسته‌ای که متضمن کاربرد مواد هسته‌ای نیز نمی‌باشد.
- ۲) اعلام فعالیت‌های عملیاتی مربوطه به تأسیسات خارج از مکان^{۲۷} که معمولاً مواد هسته‌ای در آنها مصرف می‌شود. منظور از تأسیسات خارج از مکان، هر نوع تأسیسات یا مکانی است که تأسیسات (هسته‌ای) نبوده ولیکن در آن مواد هسته‌ای به مقدار یک کیلوگرم موثر یا کمتر عرفاً مورد استفاده قرار می‌گیرد.

کشف فعالیت‌های هسته‌ای مخفیانه عراق نشان داد

که دیگر عضویت در معاهده منع گسترش

سلاح‌های هسته‌ای (۱۹۶۸) و قبول نظارتها

و بازرسی‌های آژانس براساس تدابیر و مقررات موجود

نمی‌تواند تضمین مناسب و مؤثری برای بازداشتن

کشورها از اقدام به ساخت و تولید سلاح هسته‌ای تلقی شود.

موافقت‌نامه‌های جدید با آژانس دارند یا این که اصل بر آزادی اراده بوده و این دولتها در قبول و رد مقررات این پروتکل از آزادی عمل کامل برخوردار هستند؟ برخی از دولتها و صاحب‌نظران بر این باورند که هدف معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، جلوگیری از عدم اشاعه این سلاح‌ها در جهان است. چنین هدفی، این تعهد حقوقی قبلی را ایجاب می‌کند و دولتهای غیر دارنده سلاح هسته‌ای عضو معاهده مزبور برای اینکه پایبندی خود را به تعهدات قراردادی خود ثابت نمایند، به نوعی الزام حقوقی دارند که مقررات پروتکل را به موجب مقررات ملی خود بپذیرند و به اجرا در آورند. به اعتقاد این دولتها و صاحب‌نظران دولتهای غیر دارنده سلاح‌های هسته‌ای عضو معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای متعهد شده‌اند که از دست‌یابی به سلاح هسته‌ای به هر نحو ممکن امتناع نمایند. هدف پروتکل نیز چیزی به غیر از محقق ساختن تعهد مذکور نمی‌باشد. بنابراین دول مزبور در این زمینه کاملاً از آزادی عمل برخوردار نیستند و آنها برای اینکه بتوانند وفاداری خود را به تعهدات قراردادی‌شان ثابت نمایند نمی‌توانند مقررات پروتکل ۱۹۹۷ را نپذیرند. از نظر دولت‌ها و صاحب‌نظران یاد شده، امروزه مقررات پروتکل ۱۹۹۷ آژانس ملاک اصلی تشخیص پایبندی دولتهای غیر دارنده سلاح‌های هسته‌ای عضو معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای می‌باشد^{۲۲} و دولتهایی که بدون توجیه قانع‌کننده از قبول مقررات آن طفره می‌روند در واقع به نوعی در مبانی تعهدات قراردادی خود خدشه و تزلزل ایجاد می‌نمایند.

۳) شرح کلی هر ساختمان در هر سایت، از جمله کاربرد آن. این شرح باید شامل نقشه سایت هم باشد.

۴) شرحی از مقیاس عملیات هر موقعیتی که درگیر فعالیت‌های مقرر شده در ضمیمه یک پروتکل می‌باشد. ضمیمه یک پروتکل شامل فهرستی از فعالیت‌های تولیدی و ساختی است که بایستی توسط هر دولت عضو به آژانس گزارش شود. به عنوان مثال تولید *Centrifuge rotor tubes* یا ساخت سلولهای داغ (*Hot cells*) از جمله این فعالیت‌های تولیدی و ساختی به شمار می‌آید.

۵) اطلاعاتی که مکان، وضعیت کاری و تخمین ظرفیت تولید سالانه معادن و کارخانجات تغلیظ سنگ معدن اورانیوم و توریم^{۲۸} و به طور کلی تولید فعلی این گونه معادن برای کارخانجات کشور را معین می‌کند. ۶) اعلام موجودی صادرات و واردات مواد هسته‌ای (مواد هسته‌ای که به مواد قبل از پادمان معروف می‌باشند) که براساس سند ۱۵۳ آژانس لزومی به اعلام آنها نبوده است. ۷) موجودی مواد هسته‌ای که از پادمان معاف شده‌اند.

۸) اعلام پسماندهای سطح متوسط یا بالا و حاوی پلوتونیوم یا اورانیوم با غنای زیاد یا اورانیوم ۲۳۳ که نظارت نسبت به آن خاتمه یافته است.

۹) اعلام تجهیزات و مواد غیر هسته‌ای فهرست شده در ضمیمه ۲ پروتکل. ضمیمه ۲ پروتکل متشکل از تجهیزات و مواد غیر هسته‌ای است که اطلاعات مربوط به صادرات و واردات آنها باید به اطلاع آژانس برسد. ۱۰) برنامه کلی ۱۰ سال آینده در مورد توسعه چرخه سوخت هسته‌ای. اینکه اطلاعات مذکور ظرف چه مدت زمانی باید به آژانس ارسال گردد، به تفصیل در مقررات پروتکل ذکر شده است.^{۲۹}

تعهد به اعلام اطلاعات یا گزارش دهی مذکور تعهد جدیدی محسوب می‌شود که در موافقت نامه قبلی دولت‌ها به موجب سند ۱۵۳ آژانس وجود نداشته است. حجم اطلاعاتی که دولت‌ها می‌بایست از فعالیت‌ها و تأسیسات هسته‌ای خودشان به موجب پروتکل متمم به آژانس ارسال نمایند، در مقایسه با حجم اطلاعاتی که دولت‌ها به موجب سند ۱۵۳ به آژانس ارسال می‌کنند بسیار گسترده و وسیع می‌باشد. در موافقتنامه‌هایی که دولت‌ها براساس سند ۱۵۳ آژانس منعقد نموده‌اند، صرفاً ملزم شده‌اند که اطلاعات مربوط به مواد هسته‌ای تحت پادمان و تسهیلات مربوطه چنین موادی را به آژانس اعلام نمایند. اما در موافقت نامه‌هایی که به موجب پروتکل متمم منعقد می‌شود، مواردی را که دولت‌ها باید به آژانس اطلاع دهند بسیار گسترده می‌باشد و علاوه بر مواد و تأسیسات هسته‌ای، مواد و تأسیسات غیر هسته‌ای را نیز شامل می‌شود. در هر حال هدف از قید تعهد به لزوم ارائه اطلاعات بیشتر از فعالیت‌ها و تأسیسات هسته‌ای در پروتکل، فراهم آوردن این امکان برای آژانس بوده است که با دسترسی به اطلاعات بیشتر و تجزیه و تحلیل آنها بتواند فعالیت‌های هسته‌ای پنهانی و غیر قانونی کشورها را کشف نموده و مانع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای بشود.

ب - فراهم آوردن زمینه برای دسترسی تکمیلی آژانس به مراکز و محل‌های هسته‌ای و غیرهسته‌ای

تعهد دیگری که پروتکل متمم ۱۹۹۷ پیش‌بینی کرده است و دولت‌ها ملزم به درج آن در موافقت نامه‌های جدید خود با آژانس می‌باشند، تعهد به فراهم آوردن شرایط لازم جهت دسترسی تکمیلی و بیشتر آژانس به مراکز هسته‌ای و غیرهسته‌ای آنها می‌باشد. به موجب پروتکل، هر یک از دولت‌های متعهد، دسترسی آژانس به هر یک از اماکن ذیل را فراهم خواهند آورد:

الف) هر مکانی در یک سایت؛ هر مکانی که به وسیله دولت مطابق سند *(VIII)(v)* ماده ۲ معین شده است؛ هر نوع تأسیسات از کار انداخته شده ۳۰ یا موقعیت از کار انداخته شده در خارج از تأسیساتی که مواد هسته‌ای عرفاً مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ب) هر نوع مکانی که به وسیله دولت به موجب ماده *(1)(a.2)*، ماده *(iv)a.2*، ماده *(ix)(b)a.2* یا ماده *b.2* به غیر از موقعیت اشاره شده در بند *(i)* بالا، مشخص شده است، مشروط بر اینکه اگر دولت مربوطه قادر به فراهم آوردن چنین دسترسی نباشد، به هر تلاش معقولی متوسل شود تا خواسته‌های آژانس را بدون تأخیر از راه‌های دیگری برآورده نماید.

ج) هر نوع مکان تعیین شده توسط آژانس، به غیر از مکان‌های مندرج در بندهای الف و ب فوق، جهت انجام نمونه برداری محیطی خاص آن مکان، مشروط بر اینکه اگر دولت قادر به فراهم نمودن چنین دسترسی نباشد باید هر تلاش معقولی را برای برآوردن تقاضاهای آژانس بدون تأخیر در مکان‌های مجاور یا از طرق دیگری، به عمل آورد.^{۳۱} به طوری که پیداست این تعهد نیز تعهد جدیدی و در مقایسه با تعهدات دولت‌ها به موجب سند ۱۵۳ بسیار سنگین و دامنه اثر آن بر حاکمیت ملی شدید می‌باشد. همانطوری که ملاحظه شد، دولت‌های پذیرنده مقررات پروتکل باید به آژانس اجازه دهند که هر مکانی را که مقتضی تشخیص می‌دهد، دسترسی پیدا کرده و در صورت لزوم مورد بازرسی قرار دهد. شاید در تاریخ معاهدات و موافقت نامه‌های بین‌المللی وجود چنین سندی که به یک سازمان بین‌المللی اجازه بدهد هر مکان از قلمرو کشوری را که مقتضی تشخیص می‌دهد مورد بازرسی قرار دهد، به ندرت وجود داشته باشد و همین طور، شاید در تاریخ حقوق و روابط بین‌الملل کمتر سند بین‌المللی مثل پروتکل الحاقی ۱۹۹۷ یافت شود که این چنین حاکمیت ملی دولت‌ها را محدود و حتی مخدوش نموده باشد.

مطابق پروتکل، مقررات موافقت نامه‌هایی

که به موجب ماده ۳ معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای

و سند ۱۵۳ آژانس منعقد شده‌اند،

تا آنجایی قابلیت اعمال و اجرا خواهند داشت

که با مقررات موافقت نامه‌هایی

که به موجب پروتکل انعقاد یافته‌اند، مغایر نباشند

به منظور تسهیل دسترسی بازرسان آژانس به اماکن مذکور، دولت‌های پذیرنده پروتکل ملزم به صدور روادید ورود و خروج یا عبور متعدد^{۳۲} ظرف مدت یک ماه از زمان درخواست برای آنها می‌باشند.^{۳۳} صدور روادید ورود و خروج و عبور ظرف مدت کوتاه یک ماهه نیز از نوآوری‌های پروتکل می‌باشد و در موافقت نامه‌هایی که دولت‌ها با آژانس به موجب سند ۱۵۳ منعقد نموده‌اند، چنین فوریتی در مورد صدور ویزا و همین طور صدور ویزاهای ورود و خروج متعدد و چند منظوره ملاحظه نمی‌شود.

بند سوم: مسؤولیت‌های جدید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به موجب پروتکل

مسؤولیت به اجرا در آوردن و نظارت بر اجرای مقررات پروتکل بر عهده آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است. آژانس یکی از طرفین موافقت نامه‌های دو جانبه با کشورهایی است که قرار است براساس پروتکل متمم انعقاد یابد. مسؤولیت اصلی آژانس به موجب پروتکل، نظارت بیشتر و دقیق‌تر بر فعالیت‌های هسته‌ای کشورهاست. جهت انجام این مسؤولیت، پروتکل به آژانس اجازه داده است که در دولت مورد نظارت و بازرسی به مراکز و مکان‌های ذیل دسترسی داشته باشد: ۱) کلیه مکان‌های مندرج در ماده ۵ الف (۱) یا (۲) به صورت انتخابی به منظور اطمینان از عدم وجود مواد هسته‌ای و فعالیت‌های اظهار نشده؛

۲) کلیه مکانهای مندرج در ماده ۵ (ب) یا (ج) جهت پاسخ به سوالات در رابطه با درستی و کامل بودن اطلاعات ارائه شده طبق ماده ۲ یا جهت حل تناقض مربوطه به آن اطلاعات؛

۳) کلیه مکانهای مندرج در ماده ۵ (الف) ۳ تا حدودی که در رابطه با اهداف پادمان برای آژانس لازم باشد تا اظهار نامه دولت مربوطه را در مورد وضعیت از کاراندازی مؤسسه یا مؤسسات متفرقه که مواد هسته‌ای در آنها عرفاً مورد استفاده قرار می‌گیرد تأیید نماید.^{۳۴}

آژانس باید حداقل ۲۴ ساعت قبل قصد دسترسی خود به اماکن مذکور را به دولت مربوطه اطلاع دهد. لیکن در صورت درخواست آژانس برای دسترسی به هر قسمت دیگری از یک سایت (هسته‌ای) که در هنگام بازدید برای بررسی اطلاعات طراحی یا بازرسی‌های ویژه یا عادی از آن سایت باشد، مدت اطلاع قبلی حداقل ۲ ساعت قبل می‌باشد. اما در وضعیت‌های استثنایی این مدت می‌تواند کمتر از ۲ ساعت هم باشد. اگر به نحو دیگری توافق نشده باشد، بازرسی آژانس پس از دسترسی به تأسیسات و اماکن مذکور، باید در ساعات عادی اداری انجام گیرد. کشور مورد بازرسی دارای حق همراهی بازرسان آژانس توسط نمایندگان خود می‌باشد، مشروطه بر اینکه آن همراهی در وظایف و عملیات بازرسان ایجاد اختلال ننماید.

مسئولیت یا وظیفه دوم آژانس براساس پروتکل حفاظت

اطلاعات محرمانه دولتهاست. مقررات پروتکل در این خصوص چنین اشعار داشته است: آژانس باید رژیم سفت و سختی را جهت تضمین حفاظت مؤثر اسرار بازرگانی، تکنولوژیکی و صنعتی و دیگر اطلاعات محرمانه‌ای که از آنها مطلع می‌شود، از جمله اطلاعاتی که در جریان اجرای این پروتکل بدست می‌آورد، برقرار نماید. رژیم مذکور علاوه بر موضوعات دیگر، باید در بردارنده مقررات مربوط به موارد ذیل نیز باشد:

۱) اصول کلی و معیارهای مربوط به بررسی اطلاعات محرمانه؛

۲) شرایط استخدام کارکنان در رابطه با حفاظت از اطلاعات محرمانه؛

۳) دستور العمل‌های لازم در موارد نقض یا ادعای نقض شدن موضوعات محرمانه؛

۴) رژیم مذکور باید توسط شورای حکام به تصویب رسیده و به طور متناوب مورد بازنگری قرار گیرد.^{۳۵}

البته تعهد آژانس در حفظ مسائل سری و محرمانه تعهد جدیدی نیست که پروتکل آن را مقرر کرده باشد. قبل از پروتکل هم، این موضوع در موافقت نامه‌های پادمانی که به موجب سند ۱۵۳ انعقاد یافته‌اند مورد توجه و تصریح قرار گرفته قرار گرفته است، هرچند در عمل انتشار گزارش‌های محرمانه آژانس توسط رسانه‌های غربی، رعایت این مقررات رادرهاله‌ای از ابهام فرورفته است.

پی‌نوشت

- 1- International Atomic Energy Agency
- 2- Additional Protocol
- 3- Safeguard Agreements

۴- تا ۱۴ ژانویه ۲۰۰۳، بیست و هشت دولت مقررات این پروتکل را پذیرفته و به اجرا در آورده‌اند.

5- David Fischer, History of the International Atomic Energy Agency the First Forty Years, Printed by IAEA, 1997, p. 280.

۶- ماده ۳ معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای دولتهای غیر دارنده عضو و معاهده را ملزم کرده است که موافقت نامه‌ای را با آژانس منعقد نموده و فعالیت‌ها و تأسیسات هسته‌ای خود را در اختیار نظارت و بازرسی آن قرار دهند

7- David Fischer, **op.cit.**, p.281.

8- Board OF Governors

9- Generecl Confrence

10- Laura Rockwood, "strengthening the Effectivenss and Improving the efficiency of IAEA Safeguard System", **Nuclear Law Bulletin**, Vol. 60, 1997 p.45.

11- Plan

12 - **ibid.**, pp.46 - 47.

13- **Ibid.**, pp. 46 - 47.

14- Model Protocol Additional (to the Agreement (s) Between State (s) and International Atomic Energy Agency for the Application of Safegourds.

15- Model Protocol... (1997) Art 17, Para. 1-2

16- Model Protocol....., Para.3

17- Comprehensive Safeguard Agreement.

18 - Non - Nuclear Weapon States.

۱۹- معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، ماده ۶.

20- Model Protocol, Art. 1.

21- Pactum da Contrehendo

22- Chen Zak, "Iran's Nuclear Policy and **The IAEA**", **The Washington Institute For Near East Policy** , No.3 PP. 17- 20.

23- ICJ Report, Advisory Opinion, 1996 .

24- Model Protocol, Art, 2.

25- Location Outside Facilities (LOF)

26- Torium

27- Model Protocol, Art, 3.

28- decommissioned

29- Model Protocol, Art, 5.

۳۰- به موجب ماده ۵۲ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین راجع به حقوق معاهدات، اجبار دولت ما به قبول یک سند بین‌المللی جایز نبوده و از موجبات بطلان معاهده به شمار می‌آید.

۳۱- سند الگوی ۱۵۳ یا **INFCIRC/۳۵۱**، سند الگو و نمونه یک موافقت‌نامه تجاری است که در سال ۱۹۷۲ به وسیله آژانس تهیه و تدوین شد تا مبنای ملاک انعقاد موافقت‌ها مطابق ماده ۳ معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای واقع شود.

32 - Multiple entry - eXit and/or Transit visa

33 - Model Protocol, Art, 12.

34 - Model Protocol, Art, 4.

35 - Model Protocol, Art, 20.